

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه ۱۶، مکاشفه ویژه، کتاب مقدس، هفت دیدگاه در مورد الهام

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۱۶، مکاشفه خاص، کتاب مقدس، هفت دیدگاه الهام است.

به ادامه سخنرانی‌های ما در مورد آموزه‌های آشکار شدن خداوند در هر دو وحی عمومی و خاص و کتاب مقدس خوش آمدید.

موضوع بحث ما اکنون و تا پایان دوره، وحی خدا در کتاب مقدس است.

لطفاً با من دعا کنید. پدر، چقدر از تو به خاطر کلامت سپاسگزاریم. از تو سپاسگزاریم که روح، کلام را از طریق پیامبران و رسولان قدیم به ارمغان آورد تا ما تو را بشناسیم، تو را دوست داشته باشیم، به تو خدمت کنیم و اراده تو را انجام دهیم. ما را برکت ده، دعا می‌کنیم و از تو به واسطه عیسی مسیح، پروردگمان سپاسگزاری می‌کنیم.

آمین. ما پنج متن منتخب، متون الهام‌بخش بزرگ را تا حدودی با جزئیات بررسی کرده‌ایم تا برای پرداختن به الهیات سیستماتیک کتاب مقدس به عنوان یک وحی ویژه آماده شویم. دیدیم که عیسی در مرقس ۱۲ می‌گوید که داوود، وقتی مزمور ۱۱۰.۱ را نوشت، این کار را به وسیله روح القدس انجام داد.

دیدیم که عیسی از مزمور ۸۲ نقل قول کرد و در یوحنا ۱۰ اظهار داشت که کتاب مقدس قابل نقض نیست. دیدیم که پولس سخنان او در اول قرن‌تین ۱۴ را به عنوان فرمانی از جانب خدا دانست. و سپس متن عالی دوم تیموتائوس ۳ در مورد الهام را دیدیم.

ما تا دوم پطرس ۱:۱۶ تا ۲۱ هستیم، و این به روایت تبدیل هیئت بستگی دارد. بنابراین، اجازه دهید هشت آیه اول متی ۱۷ را بخوانم. بعد از شش روز، عیسی پطرس، یعقوب و یوحنا، برادرش، را با خود برد و آنها را به تنهایی به کوهی بلند برد.

و در مقابل ایشان هیئت او دگرگون شد و چهره‌اش مانند خورشید درخشید و لباسش مانند نور سفید گردید. و ناگاه موسی و الیاس در حالی که با او گفتگو می‌کردند، بر ایشان ظاهر شدند. و پطرس به عیسی گفت: «خداوندا، چه خوب است که ما اینجا هستیم»

اگر بخواهی، اینجا سه سایبان می‌سازم. ای پسر، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای الیاس. هنوز سخن او تمام نشده بود که ناگاه ابری درخشان بر ایشان سایه افکند.

«و صدایی از ابر آمد که می‌گفت: «این پسر محبوب من است که از او بسیار شنودم. به او گوش دهید. وقتی شاگردان این را شنیدند، به روی خود افتادند و وحشت کردند»

اما عیسی نزدیک آمد و آنها را لمس کرد و گفت: برخیزید و نترسید. و وقتی چشمان خود را باز کردند، جز عیسی کسی را ندیدند. دوم پطرس ۱:۱۶ تا ۲۱

در متن، پطرس شرح می‌دهد که چگونه خداوند وعده‌های کلام خود را به مؤمنان داده است تا از گناه اجتناب کنند. دوم پطرس ۱:۴. او در آیات ۵ تا ۷ خوانندگان خود را به فضایل الهی تشویق می‌کند. این فضائل باید با در نظر گرفتن ثمره روح در غلاطیان ۵ مطالعه شوند. پطرس مسیحیان را تشویق می‌کند که برای تقویت اطمینان خود به رستگاری، در پی تقوا باشند.

آیه ۱۰، از دعوت و برگزیدگی خود اطمینان حاصل کنید. البته، این موارد برای خدا قطعی هستند، اما وقتی تبدیل به یقین می‌شوند، ما از این واقعیت که خدا ما را به ایمان به مسیح فراخوانده و ما را پیش از آفرینش جهان برگزیده است، اطمینان حاصل می‌کنیم. ما وقتی می‌بینیم که خدا در زندگی ما کار می‌کند و آن ویژگی‌ها را به وجود می‌آورد، اطمینان پیدا می‌کنیم.

این سومین مبنای اطمینان بود که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. خدا عمدتاً با کلام خود، همچنین در قلب‌های ما با روح خود، و سوم با کار در زندگی ما، ما را مطمئن می‌سازد. این همان مبنای سوم اطمینان است که پطرس هنگام برشمردن آن ویژگی‌های مسیحی از آن صحبت می‌کند.

در نزدیکی مرگ، در آیه ۱۴ از فصل ۱ رساله دوم پطرس، رسول می‌نویسد تا به خوانندگان یادآوری کند که برای مسیح زندگی کنند و این مسائل مهم را به صورت کتبی به آنها ارائه می‌دهد. رساله دوم پطرس ۱:۱۲ تا ۱۵، بنابراین، من قصد دارم همیشه این ویژگی‌ها را به شما یادآوری کنم و دوباره در مورد آنها صحبت کنم. هرچند شما آنها را می‌دانید و در حقیقتی که دارید، استوار هستید.

فکر می‌کنم تا زمانی که در این بدن هستم، درست است که شما را به عنوان یادآوری برانگیزم، زیرا می‌دانم که به زودی بدنم را ترک خواهم کرد، همانطور که خداوند ما عیسی مسیح برای من آشکار کرد. و من تمام تلاش خود را خواهم کرد تا پس از رفتن من، شما بتوانید در هر زمانی این چیزها را به یاد آورید. به ویژه این آیات دوم پطرس ۱: ۱۶-۲۱، و به ویژه آیات ۲۰ و ۲۱ مربوط به آموزه الهام کتاب مقدس است.

زیرا ما از افسانه‌های ساختگی پیروی نکردیم، هنگامی که قدرت و آمدن خداوندمان عیسی مسیح را به ۱:۱۶ شما اعلام کردیم، بلکه ما شاهدان عینی عظمت او بودیم. زیرا هنگامی که او از خدای پدر عزت و جلال یافت. و آواز جلال به او رسید، این است پسر محبوب من که از او بسیار خوشنودم.

ما خود این صدا را که از آسمان زاده شد، شنیدیم، زیرا با او در کوه مقدس بودیم. و کلام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید کرده‌ایم، که شما باید به آن توجه کنید، مانند چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد، تا سپیده دم و ستاره صبح در قلب‌های شما طلوع کند. اول از همه، باید بدانیم که هیچ پیشگویی کتاب مقدس از تفسیر شخصی کسی نیست.

زیرا هیچ نبوتی هرگز به اراده انسان آورده نشده است، بلکه مردمان تحت تأثیر روح القدس از جانب خدا سخن گفته‌اند. به آیه ۲۱ توجه کنید. اما پیامبران دروغین نیز در میان قوم ظهور کردند، همانطور که در میان شما نیز معلمان دروغین وجود خواهند داشت. بار دیگر، زمینه اصلی این متن الهام‌بخش بزرگ، مشابه دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ و ۱۷، تعلیم نادرست است.

در روزهای آخر، رسیدن به این مفهوم دشوار نیست که خداوند قصد دارد کتاب مقدس و تفسیر آن پادزهری برای زهر آموزه‌های نادرست باشد. پطرس تأیید می‌کند که او و دیگر حواریون هنگام شهادت دادن به عیسی، هوشمندانه افسانه سرایی نکرده‌اند. پطرس، یعقوب و یوحنا شاهدان عینی عظمت الهی مسیح در هنگام تبدیل هیئت او بودند.

جلال باشکوه خدای پدر، جلال و افتخار را به خداوند عیسی مسیح بخشید. این اتفاق زمانی افتاد که پطرس اعلام کرد، نقل قول، وقتی پدر اعلام کرد، ببخشید، پدر اعلام کرد، این پسر محبوب من است که از او بسیار خوشنودم، آیه ۱۷. پطرس و دو شاگرد دیگرش این کلام را وقتی با مسیح بر روی کوه تبدیل هیئت بودند شنیدند، آیه ۱۸.

در ادامه، پطرس از کلام نبوی معتبر عهد عتیق صحبت می کند. زمینه کلام، باز هم همان چیزی است که متی به ما یادآوری کرد. و درست قبل از آن، عیسی گفت، همان کلماتی که در انتهای متی ۱۶ آمده است، به ۱۷ شما می گویم، برخی اینجا ایستاده اند که تا آمدن پسر انسان را در پادشاهی اش نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.

سپس، بلافاصله، روایت تبدیل هیئت رخ می دهد. و در میان منابع دیگر، دارل باک، در کتاب فوق العاده اش درباره چهار انجیل، به عنوان تصویری از عیسی، به درستی می گوید، به نظر من تبدیل هیئت به عنوان پیش‌نمایشی از جلالی است که عیسی در ظهور دوم خود به ارمغان خواهد آورد. به همین دلیل است که برخی از کسانی که آنجا ایستاده اند، قبل از دیدن آمدن پادشاهی خدا، نخواهند مرد.

آنها آن را به طور پیشگویانه در رویداد تبدیل هیئت خواهند دید. به همین دلیل است که پطرس از کلام نبوی عهد عتیق صحبت می کند. آیه ۲۰، او می گوید هیچ پیشگویی از کتاب مقدس نیامده است، و نه هیچ کلمه‌ای از کتاب مقدس، زیرا او نبوت را در ذهن دارد.

در ادامه، پطرس از کلام نبوی معتبر عهد عتیق صحبت می کند. این مورد مورد توافق است، اما دیدگاه‌های آیه ۱۸ مورد توافق نیست. سه دیدگاه وجود دارد.

وقتی او می گوید، ما کلام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید کرده‌ایم، آیه ۱۹. با توجه به تجربه تبدیل هیئت، شکی در این مورد وجود ندارد. با توجه به آن، ما کلام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید کرده‌ایم.

سه دیدگاه. اول، کلام نبوی به شدت توسط تجربه تبدیل هیئت مسیح تأیید می‌شود. این با متی ۱۷، پس از آخرین آیه در ۱۶، مطابقت دارد.

ظاهراً این پیش‌درآمدی از جلال عیسی بود که در دومین ظهور آشکار شد و قرار است در دومین ظهور آشکار شود.

دیدگاه دوم: من به این دیدگاه تمایل دارم، اما با نگاه به متن متی، خودم را در مورد دیدگاه اول متقاعد می‌کنم. دیدگاه دوم، مؤمنان چیزی حتی قابل اعتمادتر از تجربه تبدیل هیئت دارند که شگفت‌انگیز است و بدون شک. ایمان رسولان را تقویت می‌کند.

اما آنها چیزی قابل اعتمادتر از مسیحیان یهودی دارند: کتب عهد عتیق. بنابراین ما می‌توانیم ترجمه کنیم. ما همچنین یک کلمه نبوت مطمئن‌تر داریم.

نسخه شاه جیمز و کالوین این کار را به این شکل انجام دادند. و به نوعی، اخیراً، فکر می‌کنم ترجمه دیگری وجود دارد، اگرچه در مورد اینکه آن چیست، من را گیج می‌کند. سه مورد را ببینید، و همه آنها از نظر دستوری و نحوی امکان‌پذیر هستند.

می‌تواند به عنوان یک صفت تفضیلی در نظر گرفته شود که به عنوان NIV صفت تأیید شده یا قابل اعتماد حالت عالی استفاده می‌شود، و از این رو، ترجمه آن این خواهد بود که عهد عتیق چیزی کاملاً قابل اعتماد است. افراد زیادی از این دیدگاه پیروی نمی‌کنند. اجماع، دیدگاه اول است و درست هم هست.

مطمئناً درست است. بنابراین، ما دوباره الهیات را زیر سوال نمی‌بریم، بلکه تفسیر را زیر سوال می‌بریم. مطمئناً روایت تبدیل هیئت، اعتماد رسولان را به کلام خدا تقویت کرد.

اما پطرس، یک مسیحی یهودی قرن اول، عهد عتیق را مرجعی والاتر از تجربه شخصی خود می‌داند. من هم فکر می‌کنم این درست است. با این حال، این موضوع برای ما در مورد چگونگی ترجمه تصمیم نمی‌گیرد.

آیه ۱۹. از رساله دوم پطرس ۱. پطرس کلام نبوی عهد عتیق را بسیار قابل اعتماد می‌داند.

درست است. او خوانندگان خود را تشویق می‌کند که به کتاب مقدس توجه دقیقی داشته باشند. او از تشبیه چراغی که در اتاق تاریک می‌درخشد استفاده می‌کند تا اعتبار بالای کتاب مقدس را به عنوان یک راهنما نشان دهد.

ما وقتی قدرت و آمدن خداوند عیسی مسیح را به شما اعلام کردیم، از افسانه‌های الهی زیرکانه پیروی نکردیم بلکه خود شاهد عینی بودیم. ما این چیزها را از خودمان نساخته‌ایم. ما آنجا بر فراز کوه تبدیل هیئت بودیم و شنیدیم و شنیدیم.

در واقع، ما صدای خدا، زغال حمام، دختر صدا، صدای خدا را از آسمان شنیدیم که می‌گفت: این پسر محبوب من است که از او بسیار راضی هستم. آنها این سخنان را شنیدند.

آیه ۱۸. ما خود این صدا را که از آسمان نازل شد، شنیدیم، زیرا ما با او در کوه مقدس بودیم، پطرس، یعقوب و یوحنا، حلقه نزدیکان عیسی. و ما کلام نبوی را داریم که کاملاً تأیید شده یا حتی قابل اعتمادتر است، یا کلام نبوی را داریم که بسیار قابل اعتماد است.

دیدگاه اول را اتخاذ می‌کند. و ما کلام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید کرده‌ایم، و در اینجا ESV بدیهی است که تشبیهی مطرح می‌شود که بهتر است به آن توجه کنید، مانند چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد. تشبیهات و استعاره‌ها مشابه هستند.

as یا like استعاره‌ها بیشتر شبیه معادلات هستند. یک راهنمای اولیه بی‌نقص نیست، اما تشبیهات اغلب از استفاده می‌کنند، همانطور که اینجا آمده است. به کلام خدا توجه کنید.

باز هم، به دلیل زمینه، این یک کلام نبوی است. تبدیل هیئت، به نوعی، پیش‌بینی ظهور دوم مسیح بود. شما به خوبی به کلام نبوی و البته کل کلام، مانند چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد، توجه خواهید کرد.

جهان به عنوان تاریکی، گناه و عاری از دانش خدا به تصویر کشیده شده است. جهان ناامید است و اگرچه متوجه آن نیست، اما به شدت به وحی از جانب خدا نیاز دارد. و ما به این کلمه مانند چراغی که در تاریکی تا طلوع آفتاب می‌درخشد، توجه خواهیم کرد.

این زبان آخرالزمان، زبان آمدن دوباره مسیح، و تمام معنای آن است. تا زمانی که سپیده دم و ستاره‌ی صبح در قلب‌هایتان طلوع کند. درک این موضوع کمی دشوار است.

بعضی‌ها ممکن است بگویند، اوه، ماجرای آمدن دوباره مسیح کاملاً درونی است. فقط در قلب خودت است که برمی‌گردد. نه، کتاب مقدس خیلی خیلی واضح است.

بازگشت عیسی شخصی، قابل مشاهده و برخلاف آمدن اولش، باشکوه خواهد بود. پس این به چه معناست؟ یعنی قوم او وقتی آن روز فرا برسد و بازگشت خداوند و نجات‌دهنده خود را ببینند، در درون خود شادی خواهند کرد. با دانستن این موضوع، اول از همه، نکته اصلی ما در مورد کل این ماجرا این است

ما سعی کرده‌ایم آن را در چارچوب قرار دهیم. اول از همه، با دانستن این نکته که هیچ پیشگویی از کتاب مقدس، پیشگویی به این دلیل که موضوع متن است، از تفسیر خودش، از تفسیر خودش، ناشی نمی‌شود. این کار را انجام می‌دهند، می‌گویند تفسیر خود پیامبر NIV برخی از ترجمه‌های

این کار را به طور کلی انجام می‌دهد. هیچ پیشگویی از کتاب مقدس از تفسیر شخصی کسی ناشی ESV نمی‌شود. این در مورد منشأ آن کتاب مقدس صحبت می‌کند.

بنابراین، با این حال، شما آن عبارت را، چه خودش و چه تفسیر خودش را، درک می‌کنید، شما با منشأ، منبع کتاب مقدس سر و کار دارید، همانطور که دوم تیموتائوس ۳ این کار را انجام داد وقتی که از خدا سخن می‌گوید و کلام خود را دمیده است. هیچ پیشگویی کتاب مقدس از تفسیر شخصی کسی نمی‌آید. این جایی نیست که از آن می‌آید.

از جانب خداست. زیرا هیچ نبوتی هرگز به خواست انسان صورت نگرفته است. معنا تنها در آن است.

البته، پطرس هنگام نوشتن این سخنان از اراده خود استفاده کرد، اما او منبع نهایی این سخنان نبود. هیچ نبوتی هرگز به خواست انسان صورت نگرفته است، بلکه مردم از جانب خدا سخن گفته‌اند، زیرا روح القدس آنها را هدایت می‌کرد. انسان‌ها سخن می‌گفتند.

پیترو در دوران خودش زیاد صحبت می‌کرد. خانم پیترو به شما می‌گفت هر چیزی که او می‌گفت وحی الهی نبود، از جمله مشاجرات خانگی‌شان، بدون شک. اما وقتی او چنین می‌گفت خداوند می‌گوید و کلام خدا را بیان می‌کرد، مانند مردی از جانب خدا سخن می‌گفت.

یعنی، به عنوان یک رسول، رسولی که در حال انجام وظیفه خود بود، کلام خدا از دهان او بیرون آمد. او وحی را بیان کرد. هیچ نبوتی هرگز به خواست بشر صورت نگرفته است، بلکه نویسنده کتاب مقدس از جانب خدا سخن گفته است، همانطور که توسط روح القدس به اینجا منتقل شده است.

به طور خاص، برخلاف دوم تیموتائوس ۳، در آنجا گفته شده که کتاب مقدس توسط خدا دمیده شده است، اگر خدا به طور خاص در اینجا دمیده باشد. و این فوق‌العاده است. روح القدس، از طریق پطرس، به عاملیت روح القدس در تولید کلام خدا اشاره می‌کند.

ما به کلام خدا نیاز داریم. کلامی که باید با آن هدایتگری، تا دمیدن روز قیامت و طلوع خورشید، به آن توجه کنیم. در اینجا نمادی از بازگشت و طلوع عیسی در قلب مؤمنان وجود دارد.

پطرس در ادامه می‌گوید، بالاتر از همه، می‌دانید، این بر اهمیت آنچه باید پیروی شود تأکید می‌کند. هیچ پیشگویی از کتاب مقدس از تفسیر خود پیامبران نیست. در آیه 20، پیامبران کلام خدا را از جانب خود توضیح نمی‌دهند.

آنها سخنگویان خدا هستند. همانطور که هارون سخنگوی موسی بود و خدا درباره هارون به موسی گفت، او خدای تو خواهد بود. او سخنگوی توست.

خدا سخنان موسی را از طریق هارون بیان خواهد کرد، که ظاهراً رساتر و شیواتر سخن می‌گفت. من فکر می‌کنم کاملاً برعکس است، اینطور نیست؟ موسی خداست و هارون سخنگوی اوست. بله، من این را قاطی کردم.

متاسفم. هارون، خدا می‌گوید موسی برای تو خدا خواهد بود. تو کلام خدا را برای او بیان خواهی کرد.

هیچ نبوتی هرگز به اراده انسان نیامده است. در عوض، مردان از جانب خدا سخن گفتند، زیرا روح القدس آنها را هدایت می‌کرد. در آیه ۲۱، پطرس آیه قبلی را توضیح می‌دهد.

پیامبران پیام‌های خود را از خودشان نمی‌ساختند. خداوند منبع وحی است. او منبع کلماتی است که آنها بیان می‌کردند.

این به این دلیل بود که آنها توسط روح القدس حمل می‌شدند. آنها توسط روح القدس به دنیا آمدند. نویسندگان عهد عتیق هنگام نوشتن کتاب مقدس، ابزار روح القدس هستند.

کتاب مقدس یک جنبه انسانی هم دارد. انسان‌ها وقتی کلام خدا را می‌نویسند، صحبت می‌کنند. آیه ۲۱، انسان‌ها صحبت کردند.

با این حال، این متن بر جنبه انسانی تأکید نمی‌کند، بلکه بر جنبه الهی آن تأکید دارد. وقتی نویسندگان می‌نویسند، وقتی می‌نویسند، از جانب خدا سخن می‌گویند. ۲۱، منبع نوشته‌های آنها در خارج از خودشان، در خدا، نهفته است.

او از طریق آنها صحبت می‌کند. به طور خاص، روح القدس نویسندگان کتاب مقدس را هنگامی که از جانب خدا سخن می‌گویند، هدایت می‌کند. روح نویسندگان را چنان هدایت می‌کند که آنها از جانب خدا سخن می‌گویند.

کلمات کتاب مقدس صرفاً محصول اراده انسان نیستند، که البته هستند، و بنابراین، ما سبک‌های مختلف در کتاب مقدس و غیره و تأکیدات مختلف را توضیح می‌دهیم. ما این را انکار نمی‌کنیم، اما در نهایت، اما این نهایی نیست. در نهایت، خدا نویسنده کتاب مقدس است.

کلمات کتاب مقدس نیز عین کلام خداست، زیرا او به وسیله روح خود، نویسندگان را هدایت می‌کند تا کلام او را بنویسند. پس منبع کتاب مقدس در نهایت خود خداست. سخنان پطرس، اول از همه، مربوط به دست‌نوشته‌ها است.

دست‌نوشته‌ها متون اصلی کتاب‌های کتاب مقدس هستند، نه کپی‌ها. خداوند دست‌نوشته‌ها را از طریق نویسندگان انسانی الهام می‌بخشد و از طریق مشیت خود، مشیت مطلق خود، کلام خود را حفظ می‌کند تا نسخه‌های ما بسیار خوب باشند. به ویژه از طریق علم نقد متنی، ما متنی داریم که واقعاً بسیار ناب است. به دلیل این ویژگی الهی-انسانی، کلام خدا از اقتدار و اعتبار بالایی برخوردار است.

ما باید ایمان خود را بر آن بنا کنیم. همانطور که پطرس نقل کرد، این کتاب تجربیات حواریون با مسیح را تأیید می‌کند. همانطور که پطرس گفت، این کتاب یک راهنمای ضروری است، زیرا ما در دنیای تاریک زندگی می‌کنیم تا زمانی که عیسی بازگردد.

با توجه به مضمون زیر، کتاب مقدس همچنین پادزهری برای تعالیم نادرست است. دوم پطرس، فصل ۲، تقبیح تندی از این معلمان دروغین است که سخنان و زندگی‌شان حقیقت را انکار می‌کند. کتاب مقدس دارای شخصیتی تثلیثی است.

پدر از طریق نویسندگانی که توسط روح هدایت می‌شدند، درباره پسر سخن گفت. دوباره می‌گویم. هر سه شخص تثلیثی در تولید کتاب مقدس نقش دارند.

پدر سخن گفت. او این کار را از طریق پسر انجام داد، کسی که واسطه‌ی وحی عهد جدید است، همانطور که عبرانیان ۱ به ما فریاد می‌زند. و پدر از طریق پسر درباره‌ی پسر سخن گفت.

هر دو درست هستند. او از طریق پسر سخن گفت. او در اینجا از طریق نویسندگانی که توسط روح هدایت می‌شوند، درباره پسر سخن گفت.

بنابراین، اکنون به بررسی الهیات سیستماتیک کتاب مقدس می‌پردازیم. اول از همه، کتاب مقدس الهام گرفته شده است. و ما می‌خواهیم دیدگاه‌های مربوط به الهام را بررسی کنیم.

آنها متنوع هستند. برخی وحشتناک هستند. برخی رگه‌هایی از حقیقت را در خود دارند.

برخی از آنها عناصر حقیقت بیشتری نسبت به بقیه دارند. ما سعی خواهیم کرد پس از بیان این پنج دیدگاه برداشت خودمان را کنار هم بگذاریم و سپس پنج دیدگاه را ارزیابی کنیم. تنها در این صورت است که می‌توانیم بهترین را انتخاب کنیم و یک غذای خوب سرو کنیم.

و بهتر است به این تصویر رستوران بسنده کنم. ما با پنج دیدگاه الهام‌بخش که توسط میلارد اریکسون در کتابش مطرح شده است، شروع می‌کنیم، و گمان می‌کنم می‌توانید آن را یک الهیات مسیحی کلاسیک مدرن بنامید. دهها الهیات سیستماتیک انجیلی از آن پیروی کرده‌اند، اما از بسیاری جهات پیشگام بوده است.

اریکسون مانند هر متکلم دیگری نقاط قوت و ضعفی دارد. او در تفسیر کتاب مقدس توانمند است، اما به نظر من مفسر فعالی نیست. او نمی‌تواند همه چیز باشد.

او الهیات تاریخی را از منابع ثانویه می‌آموزد. نقطه قوت او، حوزه‌هایی است که من در آنها ضعیف هستم، و آن الهیات و فلسفه مدرن است. او راهنمای خوبی است.

او همیشه منصف است، نماینده‌ی منصفانه‌ی همه است، و با دیگر مسیحیان همانطور که دوست دارد با او رفتار شود، رفتار می‌کند. با کسانی که لیبرال هستند همانطور که دوست دارد با او رفتار شود، رفتار می‌کند. او از این نظر یک الگو است.

پنج نظریه. نظریه شهود، نظریه اشراق، نظریه دینامیک، نظریه کلامی و نظریه دیکته. به این‌ها، دو نظریه دیگر را که اریکسون به آن‌ها اشاره نکرده است، اضافه خواهیم کرد.

دیدگاه نئوآرتدکس و دیدگاه خطاناپذیری محدود. نظریه شهود، نظریه اشراق، نظریه دینامیک، نظریه کلامی و نظریه دیکته، و ما دیدگاه‌های نئوآرتدکس و خطاناپذیری محدود یا جزئی را نیز اضافه خواهیم کرد. نظریه شهود معتقد است که کتاب مقدس موضوعی از بینش است که توسط نوابغ مذهبی اعمال می‌شود.

برخی افراد به طور طبیعی از آگاهی معنوی بالایی برخوردارند. الهام کتاب مقدس مشابه الهام دیگر متفکران، مانند افلاطون، است. کتاب مقدس ادبیات دینی باشکوهی است که نبوغ دینی قوم عبری را منعکس می‌کند.

نظریه اشراق معتقد است که روح القدس با افزایش قدرت طبیعی نویسندگان کتاب مقدس، آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظریه شهود نمی‌گوید که قدرت طبیعی نوابغ باید افزایش یابد. نظریه اشراق این را می‌گوید.

افراد با استعداد بیشتر از روح القدس موهبت می‌یابند. روح القدس با افزایش قدرت‌های عادی نویسندگان کتاب مقدس، بر آنها تأثیر می‌گذارد. روح القدس در همه مؤمنان به یک شکل عمل می‌کند.

او به میزان بیشتری در نویسندگان کتاب مقدس عمل می‌کند. روح القدس به طور خاص حقیقت را منتقل نمی‌کند یا نویسندگان کتاب مقدس را هدایت نمی‌کند. او هنگام نوشتن، حساسیت آنها را نسبت به مسائل معنوی افزایش می‌دهد.

نظریه پویا معتقد است که خداوند در همکاری با نویسندگان انسانی برای خلق کتاب مقدس کار می‌کند. در واقع، این درست است. به طور خاص، روح القدس نویسندگان را هدایت می‌کند تا افکار یا مفاهیمی را که می‌خواهند، داشته باشند.

خداوند به نویسندگان اجازه می‌دهد تا افکار او را با کلمات خودشان بیان کنند. اینجاست که برخی خطاها رخ می‌کنند. در نظریه پویا، خداوند و نویسندگان انسانی با هم کار می‌کنند.

روح القدس نویسندگان را در فرآیندهای فکری‌شان به سمت مفاهیمی که می‌خواهد داشته باشند، هدایت می‌کند. و به آنها اجازه می‌دهد تا آن افکار را با کلمات خودشان بیان کنند.

از این رو، کتاب مقدس بدون خطا یا معصوم و ناتوان از خطا نیست. به طور کلی، این کلام خدا در قالب کلام انسانی است. نظریه کلامی معتقد است که خدا، روح القدس، نه تنها افکاری را که خدا می‌خواهد نویسندگان داشته باشند، به آنها می‌دهد، بلکه نحوه استفاده آنها از کلمات را نیز هدایت می‌کند.

از این رو، عنوان نظریه کلامی مطرح می‌شود. نتیجه این است که کتاب مقدس شامل همان کلماتی است که خدا می‌خواهد نوشته شود. این تا حدی درست است، اما کافی نیست.

با این وجود، این یک پیشرفت است. ما در حال حرکت به سمت حقیقت هستیم. ما به سمت حقیقت حرکت می‌کنیم. این با نظریه دیکته، دیدگاه بعدی ما، متفاوت است، زیرا در نظریه کلامی، خدا به طور فعال افکار و کلمات را هدایت می‌کند، اما نویسنده انسانی نیز فعال است و خدا تمام کتاب مقدس را دیکته نمی‌کند.

نظریه دیکته می‌گوید که خدا عین کلمات کتاب مقدس را به نویسندگان کتاب مقدس دیکته می‌کند. متأسفانه، این هنوز توسط لیبرال‌ها به عنوان دیدگاه محافظه‌کارانه تاریخی در نظر گرفته می‌شود. این درست نیست.

بله، بخش‌هایی از کتاب مقدس، ده فرمان، دیکته شده‌اند. اما خدای من، لوقا در چهار آیه اول انجیلش می‌گوید که هر چیزی را که می‌توانسته در مورد زندگی عیسی به دست آورد، مطالعه کرده است. نوشته‌ها، به طور کلی، دیکته نشده‌اند.

خدا بزرگتر از این بود. او به لوقا اجازه داد تا در لوقا و اعمال رسولان به سبک لوقا بنویسد، و فقط سبکی متفاوت از نامه‌های پولس و انجیل یوحنا و غیره. نظریه دیکته می‌گوید که خدا کلمات کتاب مقدس را به نویسندگان کتاب مقدس دیکته می‌کند.

نویسندگان در این فرآیند عمدتاً منفعل هستند. تأکید در اینجا بر جنبه الهی کتاب مقدس است. دخالت انسان بسیار کم است.

به این پنج دیدگاه، دو دیدگاه دیگر اضافه می‌کنیم. دیدگاه نئوارتدکس، هم دیدگاه‌های محافظه‌کارانه و هم دیدگاه‌های لیبرال در مورد وحی را نقد می‌کند. یکی از طرفداران، جان بیلی، است که در کتابش، «*ایده وحی در اندیشه‌های اخیر*»، ۱۹۵۶، به آن اشاره می‌کند.

یکی از طرفداران، ارتدکس را به دلیل شناسایی وحی به عنوان گزاره‌های کتاب مقدس، تعریف ایمان به عنوان پذیرش حقایق به جای اعتماد به خدا، و اعتقاد به اینکه خدا کتاب مقدس را دیکته کرده است، مورد انتقاد قرار می‌دهد، که هر سه مورد تا حدودی یا عمدتاً اشتباه هستند. بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت. گفتیم که دیدگاه نئوارتدکس می‌خواهد خود را بین ارتدکس و لیبرالیسم قرار دهد.

تا آنجا که به نقد ارتدکس مربوط می‌شود، سه نکته مورد توجه قرار می‌گیرد. ارتدکس بیش از حد بر وحی به عنوان گزاره‌ها تأکید می‌کند. ارتدکس زمانی اشتباه می‌کند که ایمان را به عنوان پذیرش آن گزاره‌ها به جای اعتماد به خدا تعریف می‌کند.

سوم، این نظریه به دیکته الهی کتاب مقدس معتقد است، که کاملاً اشتباه است. می‌توانید برخی از بنیادگرایان را پیدا کنید که به دیکته الهی اعتقاد دارند. گمان می‌کنم هرگز کتابی در مورد سیستماتیک یا الهیات یا کتابی در مورد کتاب مقدس توسط یک محقق انجیلی ندیده‌ام که به نظریه دیکته پایبند باشد.

این عمدتاً یک داستان ساختگی ساخته و پرداخته‌ی لیبرال‌هاست. در واقع، وقتی ارتدکس‌های پروتستان از آن زبان استفاده می‌کردند و دیکته می‌کردند، از نحوه‌ی وحی صحبت نمی‌کردند. آنها از متن حاصل به عنوان کلام خدا صحبت می‌کردند.

بنابراین، نه تنها در ارزیابی سایر مواضع، خطایی وجود دارد، بلکه یک خطای تاریخی نیز در مورد معنای دیکته وجود دارد، زمانی که توسط نویسندگان لوتری و ارتدکس اصلاح‌شده، یعنی کسانی که پس از لوتر و کالوین در قرن بعد از آنها پیروی کردند، استفاده می‌شد. اکنون، نئوارتدکس می‌خواهد خود را بین ارتدکس قرار دهد، که آن را به سه روشی که گفتیم سانسور می‌کند، و همچنین می‌خواهد با لیبرالیسم مخالفت کند. همان طرفدار جان بیلی، لیبرالیسم را به دلیل تأکید بیش از حد بر عقل و تلاش برای جدا کردن هسته و پوسته کتاب مقدس سانسور می‌کند.

زمان زیادی را صرف انتقاد از کتاب مقدس می‌کند، و نکته اصلی این نیست. بله، بیلی می‌گوید کتاب مقدس بی‌خطا نیست. ارتدکس‌ها وقتی در مورد آن صحبت می‌کنند، بیش از حد روی کلمات تمرکز می‌کنند.

این محصول نظریه دیکته آنهاست، اما لیبرال‌ها، چون تأکید می‌کنند، بیش از حد عقل‌گرا هستند و زمان زیادی را صرف انتقاد از کتاب مقدس می‌کنند. بلکه، بیلی، به عنوان طرفدار اصلی دیدگاه نئوارتدکس در نوشتار، می‌گوید که وحی شامل خود خداست، نه گزاره‌هایی درباره خدا، بلکه در اعمال قدرتمند او، کردارهای او. اکنون به مقدمه تاریخی خود برمی‌گردم، که در آن دیدیم پیتر جنسن، متکلم استرالیایی، به درستی گفت که این دیدگاه نئوارتدکس است.

وحی شامل خود خدا می‌شود، نه گزاره‌هایی درباره او، بلکه اعمال او. این اعمال وحیانی در تاریخ اسرائیل رخ می‌دهند و در عیسی مسیح، وحی والای خدا، به اوج خود می‌رسند. باز هم پژواک‌هایی از جنسن

تفسیر این اعمال بسته به گرایش‌های انتقادی متکلمان متفاوت است. این اجتناب‌ناپذیر است. ما در عصر پساروشنگری هستیم.

بیلی می‌گوید ما با کتاب مقدس با دید انتقادی برخورد می‌کنیم. وحی امری ذهنی است، بنابراین بدون تصرف در آن، هیچ وحی‌ای رخ نمی‌دهد. خطاناپذیری محدود

، این سخنرانی را با هفتمین دیدگاه به پایان می‌بریم. خطاناپذیری محدود در مقابل، همانطور که حدس زدید خطاناپذیری کامل مطرح می‌شود. برخی از محققان بین خطاناپذیری کامل و محدود تمایز قائل می‌شوند، و دومی معتقد است که کتاب مقدس در آنچه مربوط به ایمان و زندگی مسیحی است، خطاناپذیر است، اما نیازی نیست که به عنوان خطاناپذیر در نظر گرفته شود، یعنی در امور تاریخ، علم و غیره صادق، دقیق و وفادار است.

برخی از طرفداران «خطاناپذیر بودن محدود» معتقدند که کتاب مقدس خطاناپذیر نیست، بلکه مصون از خطا است. آنها این کلمه را به شیوه‌ای جدید به کار می‌برند، که به عنوان کتاب مقدسی تعریف می‌شود که به طور مداوم هدف مورد نظر خدا برای رستگاری را محقق می‌کند. آنها می‌گویند، اوه، کتاب مقدس خطاناپذیر نیست. حتی فکر کردن به این شکل هم خارج از بحث است.

نه، نه، کتاب مقدس مصون از خطا است. یعنی اینطور نیست که تمام کلمات آن با هر جزئیاتی یا با هر دقت علمی یا حتی دقت تاریخی مبتنی بر روش‌های مدرن تاریخ‌نگاری، درست باشند. ضمناً، همانطور که گفتم بخشی از آن درست است، اما کتاب مقدس به این معنا مصون از خطا است که بدون شک هدف خدا را به انجام می‌رساند.

این امر به طور حتم هدف او را که نجات گناهکاران و آموزش آنها در زندگی مسیحی است، محقق می‌کند. ما خوشحالیم که کسانی که این را باور دارند، مسیحیانی هستند که به رستگاری و رشد در زندگی مسیحی اهمیت می‌دهند. با این حال، این دیدگاه آنها را در تمام جزئیاتش درست نمی‌کند.

کسانی که کاملاً مصون از خطا بودن کتاب مقدس را می‌پذیرند، به حقیقت کامل آن بدون انکار خطاناپذیری آن اعتقاد دارند و مطالب بسیار بیشتری گفته خواهد شد که در سخنرانی بعدی خود، هنگام ارزیابی دیدگاه‌های الهام، به آنها خواهیم پرداخت.

، این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه ۱۶ مکاشفه ویژه، کتاب مقدس، هفت دیدگاه در مورد الهام است.